

پژوهش‌های حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۳۱

هزار و سیصد و نود و شش - نیمسال اول (دوفصلنامه)

۷	تعلیق اجرای قواعد بین‌المللی حقوق بشر در وضعیت‌های عمومی فوق‌العاده دکتر سید قاسم زمانی - مرضیه اسفندیاری
۴۷	کاهش فقر؛ دستورالعملی برای توسعه اجتماعی در نظام بین‌المللی حقوق بشر دکتر رضا اسلامی - مهشید آجلی لاهیجی
۷۹	حمایت از حقوق بشر در فضای سایبر دکتر سید یاسر ضیایی
۱۰۷	تحلیل نظام قانونی ایران در حوزه سرمایه‌گذاری صنعت نفت دکتر حمید باقرزاده - دکتر راحله سید مرتضی حسینی
۱۲۳	اعتراض ثالث اجرایی در قانون اجرای احکام مدنی دکتر رسول پروین - امین پاهکیده - الهه اعتمادی
۱۴۵	ضوابط حاکم بر ارجاع پرونده‌های قضایی از منظر استقلال قضایی: با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی امید رستمی غازانی
۱۶۹	نقش شاکی خصوصی و دادستان در جرایم علیه میراث تاریخی و فرهنگی دکتر کیومرث کلاتتری - حسن خدابخشی پالندی - امیر عرفانی فر
۲۰۳	حمایت حقوقی از آثار تاریخی و فرهنگی در برابر آلودگی‌های زیست‌محیطی امین ولی‌زاده - صابر نجومی
۲۳۱	حفاظت از تالاب‌ها در حقوق بین‌الملل، در پرتو کنوانسیون رامسر مهرداد محمدی - وحیده نجفی
۲۵۱	دور باطل تصویب عوارض در شوراهای و ابطال در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری: کاوشی در نظارت قضایی بر توسعه شهری مغایر با حق مالکیت مردم (۱۳۹۴-۱۳۸۸) دکتر وحید آگاه - محمدنبی بوربوری
۲۸۷	قانون دعوای جمعی: الگویی برای کشورهای نظام سیویل لا نویسنده: پروفسور آنتونیو جیدی - مترجم: دکتر مجید پوراستاد





تحلیل نظام قانونی ایران در حوزه سرمایه‌گذاری صنعت نفت

دکتر حمید باقرزاده* - دکتر راحله سید مرتضی حسینی**

چکیده:

ایران به عنوان دارنده دومین ذخایر بزرگ گازی و سومین دارنده ذخایر نفتی جهان، ظرفیت مناسبی جهت جذب سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز دارد. نظام قانونی ایران رویکرد ثابتی در فرایند سرمایه‌گذاری خارجی نداشته و روش‌های متفاوتی توسط قوانین مختلف به فراخور مقام و موضع مقنن اتخاذ شده است. در این مقاله رویکردهای ثابت و موقتی قانونگذار ایران در این خصوص تحلیل می‌شود و با بررسی قوانین مختلف با توجه به تفکیک فعالیت‌ها در بالادست و پایین‌دست نفت، مشخص می‌گردد که مقنن در رویه ثابت خود نگاه خوشبینانه‌ای به سرمایه‌گذاری خارجی ندارد اما در برنامه‌های موقت توسعه‌ای، رویه مسالمت‌آمیزی در پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی اتخاذ نموده است و با حصول شرایطی امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی را ممکن دانسته است. در نهایت تلاش می‌شود تا به قانونگذار پیشنهاد اتخاذ رویه‌ای مبتنی بر تسهیل ورود سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت ارائه گردد.

کلیدواژه‌ها:

سرمایه‌گذاری، قرارداد، نفت، قانون، بالادست، پایین‌دست.

مقدمه

به موجب نص ماده ۲ قانون مدنی «قوانین پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجراست مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.» با مقسم قرار دادن تعریف قانونی فوق‌الذکر، عملاً قوانین نیز در نظام حقوقی ایران به دو دسته اصلی تقسیم می‌گردند. نخست قوانینی که ترتیب خاصی برای زمان اجرا در آنها مقرر نگشته است و مفهوماً قوانین دائمی تلقی می‌گردند و دوم قوانینی که دوره اجرای محدود داشته و برای دوره موقتی اجرا خواهند شد.

رویکرد نظام قانونی ایران در حوزه سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی صنعت نفت به دو بخش اصل تقسیم می‌گردد.

بخش اول مشتمل بر روشی است که در قوانین دائمی و به عنوان رویکرد ثابت نظام تعیینی ایران اتخاذ شده و رویکرد دوم، رویکرد قوانین موقتی است که با لحاظ ضرورت توسعه و در مدت زمان محدودی از تاریخ تصویب به اجرا درخواهند آمد. در ذیل و در دو بخش رویکردهای دائمی و موقتی نظام حقوقی ایران در حوزه سرمایه‌گذاری صنعت نفت ارائه و بررسی خواهد شد.

۱- قوانین دائمی

از حیث تحلیلی رویکرد قوانین دائمی ایران به جذب سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی نفت در سه حوزه قابلیت طرح را خواهد داشت. نخست رویکرد مبتنی بر قانون اساسی، دوم رویکرد مبتنی بر قانون جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و سوم رویکرد مبتنی بر قوانین مختص بخش نفت.

۱-۱- رویکرد مبتنی بر قانون اساسی

قانون اساسی ایران همان‌گونه که در مقدمه آمده است انعکاس خواست قبلی امت اسلامی است و در آن اقتصاد، وسیله است نه هدف و در آن برنامه اقتصاد اسلامی بر اصل رفع نیازهای استان در جریان رشد و تکامل وی استوار است و در آن به تمرکز و تکثیر ثروت و سودجویی به عنوان ویژگی متباین با نظام اقتصاد اسلامی اشاره شده است. در همین راستا توسعه اقتصادی به منظور فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی و به عنوان یک وسیله و نه یک هدف انگاشته شده است. البته نمی‌توان رویکرد استثمارزدایی

ناشی از ملی شدن صنعت نفت و نگرانی‌های ناشی از حضور مؤثر بیگانگان در ایران را در نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی نادیده انگاشت. به موجب بند ۸ اصل ۴۳ قانون اساسی ایران جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور، یکی از ضوابط اصلی اقتصاد انگاشته شده است. متعاقب اصل مذکور و در اصل ۴۴ قانون اساسی، کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، معادن بزرگ از جمله اجزای بخش دولتی تلقی شده و مالکیت بر آنها عمومی و در اختیار دولت قرار داده شده است. متعاقب اصل مذکور، موج ملی کردن اموال متعددی که بنابر تفسیر مجریان قانون از جمله مصادیق فوق‌الذکر تلقی می‌شد به جریان افتاد و در جریان رسیدگی به دعاوی اتباع آمریکا در دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا، مصادیق متعددی از سرمایه‌گذاری اتباع آمریکایی در صنایع و معادن بزرگ به جهت تباین عملی با مالکیت دولتی، ملی تلقی و غرامات مربوطه پرداخت شد. اگرچه اصل مذکور در مقام بیان تقسیم‌بندی کلی اقتصاد ایران به سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی است، ولی دلالت لفظی متن مذکور و نیز شیوه اجرای آن به نحوی بوده است که برخی از حقوقدانان^۱ به صراحت صنایع نفت اعم از بالادستی و پایین‌دستی را جزو بخش انحصاری دولتی تلقی نموده‌اند و برخی دیگر از حقوقدانان با بسط مفهوم اصل مذکور، به صراحت بخش خصوصی و تعاونی را از ورود به آن منع نموده‌اند.^۲ البته اصل ۴۵ قانون اساسی که در مقام بیان شرکت‌های عمومی و در قالب فقهی انفال است، معادن را در اختیار حکومت اسلامی دانسته تا بر طبق مصالح عامه و به موجب قوانین عادی از آنها بهره‌برداری نمایند. شاید رویکرد مبهم ناشی از تفسیر موسع قوانین مذکور جزئی از دلایل تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بوده است. این قانون که با اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان در نهایت توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب گردیده است، متضمن تفصیل در مواردی است که عملاً به موجب اصول ۴۳، ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی مبهم و مجمل مانده بود. به موجب ماده ۲ قانون مذکور، فعالیت‌های اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران شامل تولید، خرید و فروش کالاها یا خدمات به سه گروه تقسیم شده‌اند. بخش اول عملاً از حیثه مالکیت، تملک و سرمایه‌گذاری دولت خارج و مقرر گردید سهام، سهم‌الشرکه، حق تقدم ناشی از سهام و سهم‌الشرکه، حقوق مالکانه، حق بهره‌برداری و مدیریت دولتی به

۱. عبدالحسین شیروی، حقوق نفت و گاز (تهران: میزان، ۱۳۹۳)، ۳۰۵.

۲. عبدالواحد قادری و دیگران، بررسی اصول قواعد حاکم بر قراردادهای نفتی جمهوری اسلامی ایران (تهران:

کتاب آوا، ۱۳۹۴)، ۳۵.

بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار گردد. در بخش دوم میزان مالکیت فعلی یا مالکیت متعاقب که ناشی از سرمایه‌گذاری مستقیم یا غیرمستقیم دولتی خواهد بود تا سقف ۲۰ درصد باشد و در بخش سوم عملاً سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت کاملاً دولتی خواهد بود. این بخش شامل موارد متعددی است که از جمله آنها شرکت ملی نفت ایران، شرکت‌های استخراج و تولید نفت خام و گاز و معادن نفت و گاز می‌باشد.

به موجب تبصره ذیل بند ج ماده ۲ قانون مذکور شرایط سخت‌گیرانه‌ای برای فعالیت خدماتی بخش غیردولتی در فعالیت‌های بخش سوم مقرر گردید و عملاً خرید خدمات مالی، فنی، مهندسی و مدیریت طبق آیین‌نامه اجرایی تبصره ۱ بند ج ماده ۳ موضوع خرید خدمات مالی، فنی و مهندسی و مدیریتی از بنگاه‌های بخش دولتی نیز خواهد بود که به موجب تصویب‌نامه شماره ۹۹۵۹۹/ت۴۳۰۷۸ ک مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۷ به تصویب کمیسیون موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی رسیده و به موجب آن عملیات تهیه کالا یا خدمات در امور مربوطه با تشخیص بالاترین مقام اجرایی وزارتخانه یا مؤسسه دولتی و به شرط حفظ مالکیت صد درصدی دولت مجاز دانسته شده است و به نظر می‌رسد که مصوبه مذکور هیچ تسهیلاتی مزید بر نص قانون ندارد. علی‌هذا با ملاک قرار دادن تعریف قانونی عملیات بالادستی نفت به شرح نص جزء ۴ ماده ۱ و با لحاظ جزء ۴ همان ماده از قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰/۴/۲۱؛ عملاً اکتشاف، حفاری، استخراج، بهره‌برداری از منابع، انتقال، ذخیره‌سازی و فروش نفت خام، میعانات گازی، گاز طبیعی، قیر طبیعی، پلمه سنگ‌های نفتی و ماسه‌های آغشته به نفت که به حالت طبیعی یافت شده یا طی عملیات بالادستی کشف گردند جزو تعریف موضوع بخش ۳ ماده ۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانونی اساسی بوده و عملاً خدمات جانبی به صنایع بالادستی نفت را که مواردی نظیر مدیریت و نظارت بر تأمین کالا، مواد صنعتی، آموزش و تأمین نیروی انسانی، ایجاد و حفظ شرایط ایمنی، بهداشت و محیط زیست و نیز فعالیت‌های لازم جهت ایجاد ارتقاء و انتقال فناوری برای پشتیبانی عملیات فوق را که نص قانون اصلاح قانون نفت جزو عملیات بالادستی نفت تلقی نموده، از شمول بنگاه‌های بخش ۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی خارج گردیده است. لذا در تجمیع موارد فوق باید اذعان داشت که کل عملیات بالادستی نفت بجز موارد جانبی مشمول مالکیت ۱۰۰ درصدی دولت خواهند بود اما خدمات جنبی عملیات بالادستی به استناد تعریف گروه یک در ماده ۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، در حیطه فعالیت‌های بخش غیردولتی قرار می‌گیرد.

۱-۲- رویکرد مبتنی بر قانون جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی

روش جذب سرمایه خارجی چه از حیث دولت سرمایه‌پذیر و چه از حیث سرمایه‌گذار از حساس‌ترین موضوعات حقوقی انگاشته شده است.^۳

در نظام قانونی ایران، قانون حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی که با مخالفت شورای نگهبان و در تاریخ ۱۳۸۱/۳/۴ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید، رویکردی همسو با قانون اساسی دارد. در قانون مذکور و به موجب ماده ۳، دو روش برای سرمایه‌گذاری خارجی قابل پذیرش مقرر گردیده است؛ روش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در زمینه‌هایی که فعالیت بخش خصوصی آن مجاز می‌باشد و روش سرمایه‌گذاری چهارچوب‌ترتیب‌ات قراردادی در چهارچوب مشارکت مدنی^۴، بیع متقابل^۵، ساخت، بهره‌برداری و واگذاری^۶ مشروط بر اینکه برگشت سرمایه و صنایع حاصله صرفاً از عملکرد اقتصادی طرح مورد سرمایه‌گذاری ناشی شود و متکی به تضمین دولت یا بانک و یا شرکت‌های دولتی نباشد.^۷ در حالی که به نظر می‌رسد عبارات به کار رفته در نصوص قانونی مذکور عبارات دقیق نباشد و عبارت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۸ در برابر سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی^۹ یا روش پرتفولیو به کار گرفته می‌شود^{۱۰} و در روش متعارف بین‌المللی و در بسیاری از موارد سرمایه‌گذار خارجی از روش‌های قراردادی مذکور در ماده ۳ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مانند قراردادهای مشارکت و ساخت، بهره‌برداری و انتقال برای سرمایه‌گذاری مستقیم استفاده می‌نماید^{۱۱} لذا به نظر می‌رسد که نحوه استفاده از اصطلاح مذکور در نظام قانونی ایران متضمن هیچ مقسم بین‌المللی متعارفی نیست. در روش سرمایه‌گذاری مستقیم عملاً دو ویژگی به موجب بند ب ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون فوق‌الذکر دو شرط منصوص شده است، اول مجاز بودن سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی و دوم عدم وجود محدودیت برای درصد مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی.

۳. رودلف دالزر، کریستف شروتر، *اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری*، ترجمه سید قاسم زمانی و به‌آذین حسینی (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳)، ۱۳۳.

4. Joint Venture

5. Buy Back

6. Build, Operation, Transfer

7. Ali Mohammadi, *Iran Encountering Globalization: Problems and Prospects* (London-UK: RoutledgeCurzon, 2006), 93-94.

8. FDI (Foreign Direct Investment)

9. FPI (Foreign Proffolio Investment)

۱۰. حسین بیران، *مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی* (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۹)، ۲۰-۱۹.

11. Kenneth A Froot, *Foreign Direct Investment* (Chicago-USA: University of Chicago, 1993), 183.

شرط اول، عملاً با ماده ۲ قانون نحوه اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی که فعالیت‌های اقتصادی و بخش‌های مجاز در آن را تعریف کرده است تأویل و تکمیل می‌گردد و عملاً امکان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در معادن نفت و گاز وجود ندارد. در خصوص امکان استفاده از تریبیات قراردادی که عملاً روش‌های مشارکتی، بیع متقابل و بی‌اوتی است و در بخش‌هایی از عملیات بالادستی نفت که ناظر بر مخازن است نیز همچنان رویه قوانین دائمی به استناد بند ج ماده ۳ قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی دلالت بر صلاحیت انحصاری دولت برای سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت خواهد داشت و به نظر می‌رسد که اصل بر ممنوعیت فعالیت بخش خصوصی در عملیات بالادستی نفت است.

۱-۳- رویکرد مبتنی بر قوانین مختص بخش نفت

از بیست و سوم دی ماه سال ۱۳۶۶ تاکنون قانون نفت که البته مطابق با تعریف قانونی اعم از نفت، گاز طبیعی، ماسه‌های آغشته به نفت، مایعات گازی و قیر طبیعی است، حاکم بر صنعت نفت ایران است. نص ماده ۶ قانون مذکور که در اصلاحات قانونی نفت مورخ ۱۳۹۰/۴/۲۱ مصون از ایراد و اصلاح مانده است، به وضوح بیان می‌دارد: «کلیه سرمایه‌گذاری‌ها بر اساس بودجه واحدهای عملیات از طریق وزارت نفت پیشنهاد و پس از تصویب مجمع عمومی در بودجه کل کشور درج می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی در این عملیات به هیچ‌وجه مجاز نخواهد بود.»^{۱۲}

عملیات نفتی که در اصلاحات سال ۱۳۹۰ به عملیات بالادستی و پایین‌دستی تقسیم گردیده است، در نص ماده ۶ قانون نفت ۱۳۶۶ به طور عام به کار رفته و می‌توان چنین برداشت نمود که سرمایه‌گذاری خارجی در عملیات بالادستی و پایین‌دستی نفت ممنوع بوده و تنها روش مجاز، استفاده از منابع مالی دولتی است که از طریق اختصاص بودجه سنواتی ممکن خواهد بود.^{۱۳} در حالی که به موجب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۸ بهمن ۱۳۸۶ عملاً بجز معادن نفت و گاز که جزو بخش صد درصد دولتی تلقی می‌گردد، سایر صنایع وابسته به نفت مانند صنایع پالایشگاهی، خطوط لوله و مخابرات، تجهیزات انتقال نفت و گاز و صنایع پتروشیمی جزو صنایع بزرگ موضوع اصل ۴۴ قانون اساسی و از مصادیق بند ب ماده ۳ قانون نحوه اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قرار گرفته و اولاً

12. Anthony Cordesman, *Energy Developments in Middle East* (London-UK: Westport, 2004), 186.

13. Massoud Karshenas, *Oil, State and Industrialization in Iran* (New York: Cambridge University Press, 1990), 97.

به استناد بند مذکور مجموع ارزش سهام بخش دولتی به ۲۰ درصد تقلیل یافته و ثانیاً به استناد بند ب ماده ۴ همان قانون «سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت‌های گروه دو ماده ۲ این قانون برای بخش‌های خصوصی، تعاونی و مؤسسات و عمومی غیردولتی مجاز است». لذا در مقام اجرا بین مقررات قانون مذکور تعارض ایجاد خواهد شد چرا که بخش‌های مهمی از عملیات نفتی که به موجب ماده ۶ قانون نفت ۱۳۶۶ سرمایه‌گذاری خارجی در آنها ممنوع بوده است و روش سرمایه‌گذاری در آن صرفاً تزریق بودجه دولتی بوده است، به بخش غیردولتی واگذار گردیده که هم سرمایه‌گذاری داخلی و هم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آنها مجاز است و بجز معادن (یا به عبارتی مخازن) نفت و گاز، سایر بخش‌های عملیات نفت را که مفهوماً ممکن است از مصادیق صنایع بزرگ تلقی گردند، در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در دایره مجاز سرمایه‌گذاری خارجی و البته داخلی خواهند بود.

اگرچه نص ماده ۶ قانون نفت ۱۳۶۶ در اصلاحات سال ۱۳۹۰ مصون از تغییر ماند ولیکن در سال ۱۳۷۹ به موجب قانون اجازه به شرکت ملی نفت ایران جهت اجرای طرح‌های اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از میدان‌های نفت و گاز دریای خزر به شرکت ملی نفت ایران، مجوز قانونی جهت انعقاد «قراردادهای لازم به شرکت‌های داخلی و خارجی» و حتی دولت‌های خارجی داده شده است که البته قرارداد با دولت‌های خارجی باید حسب مورد به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. عبارت «قراردادهای لازم» در کنار مشروط به مندرج در ماده واحده مذکور یعنی بازپرداخت کلیه هزینه‌های قرارداد از محل عواید حاصل از اجرای طرح‌ها و نیز لزوم تصویب توجیه فنی، اقتصادی و مالی طرح‌ها در شورای اقتصاد، مفید این معناست که امکان انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری با شرکت‌های داخلی، خارجی و دولت‌های خارجی در حوزه نفت و گاز دریای خزر وجود خواهد داشت و عملاً مصداق اجرایی ماده ۶ قانون نفت با چندین مخصص قانونی منفصل مواجه شده است. در واقع حوزه اجرایی ماده ۶ قانون عملاً معادن نفت و گاز بجز صنایع نفتی دریای خزر است و در سایر بخش‌های عملیات نفتی جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی ممکن و میسر است.

در سال ۱۳۹۱ قانون وظایف و اختیارات وزات نفت به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. به موجب بند ت ماده ۳ قانون مذکور «۱- تأیید طرح‌های توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی به منظور تکمیل زنجیره تولید و ایجاد ارزش افزوده بیشتر؛ ۲- ایجاد ساز و کار مؤثر برای جذب منابع مالی مورد نیاز داخلی و خارجی به منظور اجرای طرح‌های توسعه‌ای حفظ و نگهداشت توان تولید با رعایت قوانین و مقررات؛ ۳- جذب

و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی به منظور توسعه میادین هیدروکربوری با اولویت میادین مشترک از طریق طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت شده «از جمله اختیارات وزارت نفت در امور سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی است. صرف‌نظر از اینکه این مقدار تعارض با این حجم تقنین واقعاً شایسته نظام قانونگذاری ایران نیست و نظام حقوقی مربوطه را غیرشفاف نموده است»^{۱۴}، سؤال اینجاست که آیا این مقرر قانونی به منزله جواز وزارت نفت برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در کلیه بخش‌های عملیات نفتی است؟ به موجب ماده ۱ و ماده ۲ قانون مذکور مقنن هم به قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۹۰ و هم به تعاریف قانونی و نیز عملیات‌های بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایش نظر داشته است. مضاف آنکه قانون مذکور از تمامی قوانین پیش‌گفته جدیدتر است و عنوان قانون معارض لاحق را خواهد داشت و در مجامع نفتی تصویب این بند پایانی بر مباحث ناظر بر سرمایه‌گذاری خارجی انگاشته شده است^{۱۵} اما در نهایت اینکه و بالاخص در اوصافی که که شرایط عمومی قراردادهای نفتی در اجرای ماده ۷ قانون مذکور به تصویب هیئت وزیران نرسیده است، عملاً برداشت متقنی از قانون مذکور نمی‌توان داشت و در حقیقت نمی‌توان در تعارض عملی قانون مذکور با قانون نفت و سایر قوانین و مقررات پیش‌گفته به صراحت اعلام نظر کرد که با تصویب بند ت ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات نفت ۱۳۹۱، ماده ۶ قانون نفت ۱۳۶۶ ملغی‌الاثراً گردیده است و یا بتوان ادعا کرد که این مقرر، ماده ۶ قانون نفت ۱۳۶۶ و بند ج ماده ۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را نسخ و از تاریخ تصویب آن، سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز را تحت شرایط مقرر در متن ممکن دانسته است.^{۱۶}

به عبارت دیگر شاید بتوان همسو با برخی حقوقدانان اعلام کرد که قوانین و مقررات ایران شفافیت لازم را ندارند و بیشتر بر منع دلالت دارند به خصوص وقتی که سرمایه‌گذاری خارجی مطرح باشد^{۱۷} عبارت صدر ماده ۳ قانون مذکور که بیان می‌دارد «وظایف و اختیارات

۱۴. قادری و دیگران، پیشین، ۷۷.

۱۵. عبدالحسین شیروی و فاطمه امین مجد، «سرمایه‌گذاری خارجی در عملیات بالادستی نفت و گاز»، مجله

حقوق خصوصی ۲۱ (۱۳۹۱)، ۳۱.

۱۶. علی حاتمی، اسماعیل کریمیان، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری

(تهران: نیسا، ۱۳۹۳)، ۶۹۳.

۱۷. شیروی، حقوق نفت و گاز، پیشین، ۳۲۰.

نفت به شرح زیر است» بیان نمی‌دارد که آیا این ماده درصدد ارائه جواز قانونی به وزارت نفت است یا صرفاً در مقام بیان وظایف و اختیاراتی است که در صورت ارائه مجوز قانونی، وزارت نفت می‌تواند از آنها استفاده کند. در حقیقت نمی‌توان به وضوح و با عنایت به مقام بیان مقنن به وضوح جواز جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در کلیه بخش‌های مصرحه را از متن مذکور دریافت آن هم در اوصافی که تکلیف قوانین و مقررات متعدد مغایر مشخص نگردیده است.^{۱۸} به عبارت دیگر تفسیر قانون مذکور که از مفاد ماده ۱ در مقام تبیین جایگاه وزارت نفت و نیز ماده ۱۵ در مقام قوانین مغایر که لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت ۱۳۵۸ و متمم ۱۳۵۹ آن است، صرفاً این نظر را متبادر می‌نماید که قانون در مقام تبیین اختیاراتی است که وزارت نفت در صورت تجویز قوانین مرتبط دیگر خواهد داشت و نه تجویز اعمال اختیارات.

۲- قوانین موقت

به موجب بندهای ۲ و ۳ و ۴ ماده ۱ قانون برنامه و بودجه ۱۳۵۱، سه قانون موقت در نظام حقوقی ایران شناسایی شده است. این قوانین برای دوره‌های زمانی خاصی به تصویب رسیده و پس از آن فاقد قدرت اجرایی خواهند بود. این قوانین به سه دسته تقسیم می‌شوند: درازمدت؛ یعنی برنامه‌ای که ضمن آن توسعه اقتصادی و اجتماعی برای یک دوره ده‌ساله یا طولانی‌تر به عنوان راهنمای برنامه‌ریزی مالی پنج‌ساله پیش‌بینی می‌شود، میان‌مدت؛ برای مدت ۵ سال و سالانه که به صورت سالیانه تنظیم و همراه بودجه کل کشور تقدیم مجلس می‌گردد.

صرف‌نظر از قوانین برنامه‌ای بلندمدت، عملاً قوانین برنامه‌ای میان‌مدت ۵ ساله و قوانین برنامه‌ای سالیانه، جزو اسناد مهم و مؤثر در رویکردهای موقت دستگاه‌های اجرایی و از جمله صنعت نفت در حوزه‌های مختلف راهبردی از جمله سرمایه‌گذاری می‌باشد. نکته حائز اهمیت توجه به تعریف قانونی موضوع بندهای ۳ و ۴ ماده ۱ قانون برنامه و بودجه است که به استناد آن و نیز مفهوم مخالف نصوص قانون مذکور، عملاً استناد به قانون‌های برنامه‌ای در خارج از بازه زمانی اجرای قانون ممکن نخواهد بود لذا مجوزات قانونی قوانین برنامه‌ای به هیچ‌وجه دائمی نخواهد بود و روبه‌مستقر تا سال ۱۳۶۴ که در آن به جای اصلاح روبه‌تقینی عملاً از ظرفیت قوانین بودجه جهت اصلاح قوانین استفاده می‌شد و برخلاف هدف مقنن در تصویب ماده ۲ قانون برنامه و بودجه است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران پنج برنامه میان‌مدت توسعه‌ای به اجرا گذاشته شده است و تاکنون ۲۵ سال از اجرای قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ گذشته است در حالی که هیچ قانون بلندمدتی که مبین اصول و اهداف حرکتی قوانین پنج‌ساله توسعه‌ای باشد به تصویب نرسیده است. به عبارت دیگر بجز سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی که به صورت ابلاغ سیاست‌های کلی نظام و نه قانون در مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۳ توسط مقام معظم رهبری به ریاست محترم جمهوری وقت برای چهار برنامه ۵ساله ابلاغ شده است، متن دیگری وجود ندارد علی‌هذا قوانین برنامه پنج‌ساله که عملاً رویکرد تقنینی موقت کشور جهت توسعه است نقش مهم و در عین حال انکارناپذیری در رفع نواقص اجرایی قوانین عادی خواهد داشت چرا که اجرای قوانین عادی در مقام تعارض و تراحم با قوانین توسعه‌ای ممنوع خواهد بود و همین ویژگی زمینه مؤثری جهت پیشرفت در حوزه‌های مختلف اقتصادی و از جمله جذب سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایجاد کرده است. در حال حاضر دوره اجرایی قانون برنامه پنجم توسعه که در انتهای سال ۱۳۹۴ به پایان رسیده بود با قانون اصلاح ماده ۲۳۵ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ مجلس شورای اسلامی ایران تا پایان سال ۱۳۹۵ تمدید و با تصویب برنامه ششم توسعه و ابلاغ آن، اجرای قانونی مذکور ملغاً خواهد شد. به موجب بند ب ماده ۲۱۴ قانون مذکور جواز استفاده از روش‌های سرمایه‌گذاری در قالب ساخت، بهره‌برداری و واگذاری، ساخت و بهره‌برداری، طرح و ساخت کلید در دست، مشارکت بخش عمومی و خصوصی و یا ساخت، بهره‌برداری و مالکیت با پیش‌بینی تضمینات کافی به دولت، البته با رعایت نظامات پیش‌گفته در حوزه قانون نحوه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی اعطاء شده است. مجوز خاص وزارت نفت در ماده ۱۲۵ همان قانون منصوص گردیده است. که به موجب آن اولاً ایجاد فضا و شرایط رقابتی، ثانیاً اولویت میداین مشترک با تأیید بر توسعه میدان گاز پارس جنوبی و ثالثاً رعایت تشریفات اداری شامل: تصویب توجیه فنی و اقتصادی طرح در شورای اقتصاد، درج در قوانین بودجه سنواتی و در نهایت مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور جزو ارکان تلقی شده است.

روش‌های مجاز جهت جذب سرمایه‌گذاری در قانون برنامه پنجم، استفاده از انواع روش‌های اکتشاف، توسعه تولید در دوره زمانی معین (با قابلیت یکبار تمدید) و انتشار اوراق مالی ریالی و ارزی در داخل و خارج کشور بدون تضمین دولت و در نهایت روش بیع متقابل

با رعایت مقررات بند ب ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه است.^{۱۹} در حالی که به عنوان اصل، اول حفظ مالکیت و مدیریت دولت در مخازن نفت و گاز، دوم اتخاذ ضوابط تولید حیاتی، سوم تقبل ریسک ناشی از سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذار و در نهایت بازپرداخت هزینه‌های مستقیم یا غیرمستقیم اکتشاف و توسعه از محل فروش محصولات تولیدی همان میدان مقرر گردیده است.^{۲۰}

در واگذاری از طریق روش بیع متقابل به موجب ماده ۱۲۶ قانون برنامه پنجم توسعه، انجام و فرایند مناقصه لازم و ضروری انگاشته شده است در حالی که روش و فضای رقابتی موضوع صدر ماده ۱۲۵؛ برگزاری مناقصه است که به موجب بند الف ماده ۲ قانون برگزاری مناقصات، عملاً تنها فرایند رقابتی است که دستگاه‌های دولتی از جمله شرکت‌های تابعه وزارت نفت مکلف به اجرای آن هستند و از این حیث هیچ تفاوتی بین بیع متقابل با سایر روش‌های قراردادی فوق‌الذکر وجود نخواهد داشت.^{۲۱}

در قراردادهای متقابل علاوه بر شرایط مذکور، شروط مضاعفی به موجب ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه و به استناد نص بند ۳ ماده ۱۲۵ قانون برنامه پنجم وجود خواهد داشت. این شروط شامل تعیین نرخ بازگشت به نحوی که منجر به ایجاد انگیزه برای به کارگیری روش‌های بهینه در اکتشافات توسعه و بهره‌برداری شود، رعایت مقررات و ملاحظات زیست‌محیطی و در نهایت رعایت مقررات قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی صنعتی و اجرایی کشور است که عملاً به موجب مصوبه ۱۳۹۱/۵/۱ مجلس و با تصویب قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم لغی الاثر گردیده و قانون اخیرالذکر جایگزین آن گردیده است. به وضوح قابل مشاهده است که قوانین مذکور محل و موضع اجرای متفاوت دارند و حسب مورد برخی از شروط قانونی ناظر به فعالیت‌های پایین‌دستی نخواهد شد در حالی که برخی از شروط مذکور در عملیات بالادست نفت فقدان

19. Roger Howard, *Iran Oil: The New Middle East Challenge to America* (NY-USA: Tauris, 2007), 32.

۲۰. عباس کاظمی، *آشنایی با قراردادهای نفتی* (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳)، ۲۰۶-۲۰۲.

۲۱. قادری و دیگران، پیشین، ۸۵-۷۷.

کارایی و کاربرد هستند. مضاف بر موارد فوق‌الذکر میزان و محل انعقاد قراردادهای بیع متقابل به موجب قوانین بودجه‌ای تعیین می‌گردد.^{۲۲}

در لایحه قانون برنامه ششم که کلیات آن با مخالفت مجلس مواجه و به دولت مسترد گردید مقررات جدیدی در حوزه سرمایه‌گذاری نفتی وجود ندارد و عملاً بجز الزام دستگاه‌های اجرایی به انجام مفاد قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی داخلی مصوب ۱۳۹۱، انجام مطالعات فنی، مالی و زیست‌محیطی، با روش مناقصه و الزام به تکمیل ظرفیت‌های بلااستفاده مانده قانون برنامه پنجم و قوانین برنامه‌ای ماقبل^{۲۳}، در واقع شرط جدیدی وجود

۲۲. گروه پژوهش مدرسه عالی حقوق، حقوق قراردادهای نفت و گاز (تهران: صابریون، ۱۳۹۳)، ۱۹۱.
 ۲۳. تبصره ۳ ماده واحده قانون برنامه ششم توسعه: «به منظور تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی موضوع اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور و همچنین تسهیل مبادلات مالی از طریق تأمین منابع مالی داخلی و خارجی، دستگاه‌های اجرایی و بانک‌های عامل موظفند در استفاده از تسهیلات مالی خارجی موارد زیر را رعایت کنند:

۱- تمامی طرح‌های دستگاه‌های اجرایی با رعایت سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی با مسئولیت وزیر و یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه ذی‌ربط و تأیید شورای اقتصاد، باید دارای توجیه فنی، اقتصادی، مالی و زیست‌محیطی باشند و مجموع هزینه‌های اجرای کامل آنها از سقف‌های تعیین شده تجاوز نکند. زمان‌بندی دریافت و بازپرداخت تسهیلات هر طرح و میزان استفاده آن از ساخت داخل با توجه به ظرفیت‌ها، امکانات و توانایی‌های داخلی و رعایت قانون «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴» و نیز رعایت شرایط زیست‌محیطی در اجرای هر یک از طرح‌ها باید به تصویب شورای اقتصاد برسد؛

۲- استفاده‌کنندگان از تسهیلات مالی خارجی نظیر فاینانس و وام‌های مستقیم و یا سایر روش‌های تأمین مالی که بازپرداخت آن از محل صادرات محصولات انجام می‌شود باید ظرف مدت دو ماه از زمان انعقاد قرارداد، جدول زمانی و میزان تعهدات ایجاد شده و یا استفاده شده و نیز زمان‌بندی بازپرداخت بدهی‌ها و تعهدات ارزی خود را در اختیار بانک مرکزی قرار دهند. پس از اجرایی شدن طرح‌های مذکور، گزارش عملکرد طرح مشتمل بر اصل و سود وجوه دریافتی و پرداختی و باقیمانده تعهد در فواصل سه‌ماهه به بانک مرکزی و سازمان اعلام می‌شود؛

۳- تمامی معاملات و قراردادهای خارجی که بیش از یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) دلار باشد با رعایت قوانین مربوط شامل قانون «حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲» و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۱ تنها از طریق مناقصه محدود و یا بین‌المللی با درج آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار و رسانه‌های الکترونیکی داخلی و خارجی انجام و منعقد می‌شود موارد استثنا به تأیید کمیته سه‌نفره متشکل از وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزیر وزارتخانه مربوطه یا بالاترین مقام اجرایی ذی‌ربط می‌رسد. در کلیه مناقصه‌ها، حق کنترل و بازرسی کمی و کیفی و کنترل قیمت برای کلیه کالاهای وارداتی و پروژه‌ها برای خریدار محفوظ است. وزیر یا بالاترین مقام اجرایی ذی‌ربط، مسؤول حسن اجرای این موضوع است. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران فقط مجاز به تعهد یا پرداخت بهای معاملات و قراردادهایی است که تأیید بالاترین مقام دستگاه‌های اجرایی، مبنی بر رعایت مفاد این بند را داشته باشد.»

نداشته و در صورت تصویب مقررات فعلی به نظر می‌رسد که رویه جذب سرمایه‌گذاری در صنعت نفت به مشکلات بفرنجی برخورد خورد. در حالی که ظرفیت پذیرش سرمایه در قراردادهای نفتی ایران برای رسیدن به سطح تولید متداول بین‌المللی نفت و گاز که در سال‌های اخیر و به سبب وضع تحریم‌های بین‌المللی در وضعیت بسیار نامساعدی به سر می‌برد، نیاز مبرم به تزریق حداقل ۲۰۰ میلیارد دلار را در بخش‌های مختلف نمودار می‌کند و حمایت موقت مقنن از روش‌های سرمایه‌گذاری با برداشتن موانع جذب سرمایه‌گذاری متبلور خواهد شد نه ایجاد موانع جدید.

نتیجه

صنعت نفت و گاز ایران، نیازمند تزریق فوری حداقل ۲۰۰ میلیارد دلار در بخش‌های مختلف است. طبیعی است که نظام قانونی باید زمینه مساعد حمایت از این سرمایه‌گذاری را فراهم آورد در حالی که نظام تقنینی قوانین ایران رویه مشتتی را در جذب سرمایه‌گذاری دارد. در رویکرد مبتنی بر قانون اساسی با قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، بجز مخازن نفت و گاز، بخش مهمی از عملیات نفتی، از حیطة انحصاری دولت خارج و میزان سرمایه بخش دولتی در قسمت‌های مهم به ۲۰ درصد تقلیل پیدا کرده و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مجاز شده است. در رویکرد مبتنی بر قانون جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، اولاً امکان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش‌هایی که فعالیت بخش خصوصی در آن مجاز است، ممکن گردیده و در سایر بخش‌ها فقط استفاده از روش‌های قراردادی مجاز است. قانون نفت ۱۳۶۶ به عنوان قانون خاص صنعت نفت دارای کمترین ظرفیت در جذب سرمایه‌گذاری در نفت است به نحوی که سرمایه‌گذاری در عملیات نفتی صرفاً به روش دولتی مجاز دانسته شده است و قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت ۱۳۹۱، نمی‌تواند به معنای جواز جذب سرمایه‌گذاری در صنعت نفت تلقی شود. در ۲۵ سال اخیر عمده تحول در نظام سرمایه‌گذاری از طریق قوانین برنامه‌ای بوده است. قانون برنامه پنجم توسعه که اجرای آن تا اجرای قانون برنامه ششم تمدید گردیده است، شروط متعددی را برای قراردادهای سرمایه‌گذاری و از جمله قراردادهای بیع متقابل مقرر کرده است. در لایحه پیشنهادی قانون برنامه ششم، عملاً اعمال روش مناقصه و نیز رعایت مقررات قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی داخلی ۱۳۹۱ لازم شمرده شده است در حالی که به نظر می‌رسد که اعمال دو روش اخیر باعث کاهش اشتیاق سرمایه‌گذاران در ورود به بازار ایران و عملاً بالا بردن نرخ

تمام شده سرمایه‌گذاری برای آنها بوده و نیز مشکلات اجرایی متعددی نیز برای دستگاه‌های مجری فراهم می‌آورد و پیشنهاد می‌شود مقنن در تصویب قانون برنامه ششم روش‌های مساعد و سهل‌تری را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی مقرر دارد.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- کتب

- پیران، حسین. *مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی*. تهران: گنج دانش، ۱۳۸۹.
- حاتمی، علی، اسماعیل کریمیان. *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری*. تهران: نیسا، ۱۳۹۳.
- دالزر، رودلف، کریستف شروئز. *اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری*. ترجمه سید قاسم زمانی و به‌آذین حبیبی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
- شیری، عبدالحسین. *حقوق نفت و گاز*. تهران: میزان، ۱۳۹۳.
- قادری، عبدالواحد، علی محمدی، احسان شریف‌آرا و اوین قادری. *بررسی اصول قواعد حاکم بر قراردادهای نفتی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: کتاب آوا، ۱۳۹۴.
- کاظمی، عباس. *آشنایی با قراردادهای نفتی*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
- گروه پژوهش مدرسه عالی حقوق. *حقوق قراردادهای نفت و گاز*. تهران: صابریون، ۱۳۹۳.

- مقالات

- شیری، عبدالحسین، فاطمه امین مجد. «سرمایه‌گذاری خارجی در عملیات بالادستی نفت و گاز». *مجله حقوق خصوصی* ۲۱ (۱۳۹۱): ۳۴-۵.

ب) منابع انگلیسی

- Cordesman, Anthony. *Energy Developments in Middle East*. London-UK: Westport, 2004.
- Froot, Kenneth A. *Foreign Direct Investment*. Chicago-USA: University of Chicago, 1993.
- Howard, Roger. *Iran Oil: The New Middle East Challenge to America*. NY-USA: Tauris, 2007.
- Karshenas, Massoud. *Oil, State and Industrialization in Iran*. NewYork: Cambridge University Press, 1990, 97.
- Labban, Mazan. *Space, Oil and Capita*. MP-USA: Roudlege, 2008.
- Mohammadi, Ali. *Iran Encountering Globalization: Problems and Prospects*. London-UK: RoutledgeCurzon, 2006.

Analysis of Iranian Legislation in Petroleum Investment

Dr. Hamid Bagherzadeh

Teacher at University and Attorney at Law
Email: baqerzade_hamid@yahoo.com

&

Dr. Raheleh Seyed Morteza Hosseiny

Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science of Kharazmi University
Email: rahilhosseiny@gmail.com

Iran as second gas and third oil world power, has a good capacity to absorb international investment but its legislation hasn't took a fixed policy for investment in petroleum. International investment in recent decades take account as an acceptable method in petroleum however, it was forbidden by some particular laws in oil and gas field. In parallel with normal laws, there are some temporary laws, which are performed in specified period. In performance period of these kind of laws (which are nominated as development acts), any contrary law don't be execute. In this article firstly, it is tried to distinguish between available investment methods in up-stream and down-stream. Secondly, it is in attempt to find appropriate legal way to contracting and finally, some suggestion to Iranian parliament have be presented in order to take some easier approach for petroleum investors.

Keywords: Investment, Contract, Petroleum, Up-stream, Down-stream.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVI, No. 1

2017-1

- **Derogation of Human Rights in Situation of Public Emergency**
Dr. Seyed Ghasem Zamani - Marzieh Esfandiary
- **Poverty Reduction: A Programme for Social Development in International Law**
Dr. Reza Eslami - Mahshid Ajeli Lahiji
- **Protection of Human Rights Law in Cyberspace**
Dr. Seyed Yaser Ziaee
- **Analysis of Iranian Legislation in Petroleum Investment**
Dr. Hamid Bagherzadeh - Dr. Raheleh Seyed Morteza Hosseiny
- **Third Executive Protest in Execution of Civil Judgements Law**
Dr. Rasol Parvin - Amin Pakkideh - Elahe Etemadi
- **Regular Assignment of Judicial Cases from the Perspective of Judicial Independence: A Comparative Study in Iranian Law and International Documents**
Omid Rostami Ghazani
- **The Role of Claimant and Prosecutor in Offences against Historical and Cultural Heritage**
Dr. kyoumars kalantari - Hassan khodabakhshi palandi - Amir Erfanifar
- **Legal Protection of Historical and Cultural Monuments against Environmental Pollution**
Amin Valizadeh - Saber Nojomi
- **Ramsar Convention on Wetlands from the Perspective of International Environmental Law**
Mehrdad Mohammadi - Vahideh Najafi
- **Vicious Cycle of Enacting Local Duties in City Councils and Revocation in Court of Administrative Justice Judges Council: Discussion of Judicial Supervision on Urban Development in Contradiction with the Right to Property of People (2009-2016)**
Dr. Vahid Agah - Mohammad Nabi Boorboori
- **The Class Action Code: A Model for Civil Law Countries**
Author: Professor Antonio Gidi - Persian Translator: Dr. Majid Pourostad



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study